

تحلیل عنصر روانی جرم در حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلستان

وحید کیومرثی^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

کد مقاله: ۱۲۵۴-۲۴۱۲-JHVMN

چکیده

امروزه یکی از موضوعات مهم در حقوق کیفری برای تبیین وضعیت ذهنی مجرم، اصطلاح عنصر روانی است که از اراده، سوءنیت و علم تشکیل شده و مرتکب در عالم واقع با ارتکاب رفتاری که منبث از فعل و انفعالات ذهنی است، مرتکب جرم می‌شود. اصولاً در رسیدگی به دعای کیفری برای تعیین مجازات، عنصر روانی جرم باید احراز شود، در غیر اینصورت ممکن است پیامدهای غیرقابل جبرانی داشته باشد از جمله اینکه بی‌گناهی قصاص شود و یا حتی گناهکاری از مجازاتی که استحقاق آن را دارد فرار کند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ معیار ذهنی را در وقوع جرم مدنظر قرار داده و به و دنبال تحقق عنصر روانی (قصد) است. همچنین عنصر روانی، شکل دهنده رابطه مجرم و جرم می‌باشد و به تبع آن واکنش کیفری جرم متأثر از این رابطه بوده و از وجوه تمایز مسئولیت مدنی و کیفری، وجود عنصر روانی در اثبات عناوین مجرمانه است که این مهم به عنوان رکن اصلی تحقق هر جرمی مبین توجیه اخلاقی مسئولیت کیفری مرتکب است، به گونه‌ای که با فقدان آن موجبات مؤاخذه مرتکب از بین می‌رود. علاوه بر این عنصر روانی جرم یکی از ارکان اصلی مسئولیت کیفری در حقوق کیفری فرانسه و انگلستان است که به بررسی قصد، نیت و آگاهی متهم در هنگام ارتکاب جرم می‌پردازد. در هر دو نظام حقوقی، این عنصر به همراه عنصر مادی جرم، تعیین‌کننده وقوع جرم است، اما رویکردها و تفسیرهای مربوط به آن در این دو نظام حقوقی متفاوت است، به طوری که حقوق فرانسه به عنوان یک نظام حقوق نوشته، عنصر روانی را بر اساس قوانین مدون تعریف و چارچوب مشخصی برای آن تعیین می‌کند. در مقابل، حقوق انگلستان که بر پایه کامن‌لا استوار است، بر توسعه مفاهیم از طریق رویه‌های قضایی تمرکز دارد.

واژگان کلیدی: عنصر روانی، عنصر معنوی، معیار ذهنی، سوءنیت عام، قصد مجرمانه.

^۱ پژوهشگر دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه. (نویسنده مسئول) vahidkiomarsi@yahoo.com

مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهم در حوزه حقوق کیفری، بحث عنصر روانی جرم است که غالباً به عنوان یکی از عناصر عمومی تشکیل دهنده جرم محسوب شده و طبق آن، نوع جرم، میزان مسئولیت جزایی و مجازات مرتکب تعیین می‌شود. ارتکاب عمل به خودی خود، دلیل وجود عنصر روانی یا معنوی نیست و در موارد متعددی با وجود اینکه عملی صورت می‌گیرد، قانون مرتکب آن را در جرایم عمدی به خاطر فقدان قصد مجرمانه یا فقدان مسئولیت جزایی ناشی از عدم وجود اراده در مرتکب، قابل مجازات نمی‌داند. در تحقق عنصر روانی یا معنوی جرم وجود دو عامل اراده ارتکاب فعل و قصد مجرمانه ضرورت دارد. بنابراین صرفاً وجود عمل مادی که قانون آن را جرم شناخته است، برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست، بلکه بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد و یا در اجرای عمل به نحوی از انحاء و بی آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند، خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی شناخت. مطابق قواعد کلی حاکم بر نحوه تحقق عنصر روانی جرایم، هرگاه مرتکب واجد پیوند معنوی مستقیم با تمامی اجزاء رفتار خویش اعم از عمد عام و خاص باشد عنصر روانی لازم برای جهت تحقق مسئولیت کیفری وی به صورت تام محقق خواهد شد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علم و یا آگاهی، اراده ارتکاب و اراده نتیجه یا قصد مجرمانه به عنوان اجزای رکن روانی جرم مورد تبیین واقع شده‌اند. بنابراین با توجه به اینکه عنصر روانی یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه حقوق کیفری عمومی است و دلیل اصلی شایستگی مجرم در تحمل کیفر می‌باشد. در هر دو نظام حقوقی فرانسه و انگلستان، عنصر روانی جرم نقشی حیاتی در تعیین مسئولیت کیفری ایفا می‌کند. هر دو نظام حقوقی تلاش دارند میان عدالت فردی و نظم اجتماعی تعادل برقرار کنند، به طوری که حقوق فرانسه با اتکا بر قوانین مدون، شفافیت بیشتری در تعریف عنصر روانی ارائه می‌دهد، در حالی که حقوق انگلستان با استفاده از رویه‌های قضایی و انعطاف‌پذیری ناشی از آن، به نیازهای متغیر جامعه پاسخ می‌دهد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تأثیر سنت‌های حقوقی و فلسفی بر مفهوم‌سازی عنصر روانی در این دو نظام حقوقی است.

۱- تعریف عنصر روانی

عنصر روانی^۱ جرم یا نیت مجرمانه به اراده آزاد و آگاهی فاعل جرم در هنگام ارتکاب عمل مجرمانه اشاره دارد، به طوری که صرف وجود رفتار زیانبار، شرط کافی برای مسئولیت کیفری نیست، بلکه مرتکب باید دارای حالت ذهنی یا روانی مشخص نیز باشد که این حالت ذهنی یا روانی را عنصر معنوی، عنصر اخلاقی، عنصر روانی و تقصیر به معنی موسع نامیده می‌شود. (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۳: ۵۸) برخی از حقوقدانان، عنصر روانی را به وضعیتی درونی که اجزاء رکن مادی و دیگر نتایج مورد نظر قانونگذار را به ذهنیت یک شخص مرتبط می‌سازد یا وضعیت ذهنی خلاف قانون یک شخص نسبت به اجزاء عنصر مادی و دیگر نتایج مورد نظر قانونگذار تعریف نموده است. در این دو تعریف، تحقق رکن روانی منوط به تحقق رکن مادی جرم نشده است. لذا اگر فردی اراده رفتاری را کند و دیگر اجزاء رکن روانی نیز به صورت عمد یا خطا در ذهن او نقش ببندد، واجد رکن روانی خواهد بود؛ هرچند موفق به ارتکاب رفتار نگردد. (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۱۵) برخی دیگر عنصر مذکور را رابطه روانی می‌دانند که مادیات جرم را، با شخصیت بزهکار پیوند می‌دهد. (نجیب حسینی، ۱۳۹۳: ۱۴) ایرادی تعریف فوق، این است که تعریف فوق رکن روانی را رابطه ذهنی بزهکار با عنصر مادی دانسته و لذا در تعریف از عبارت «بزهکار» استفاده نموده است؛ در حالیکه تحقق عنصر روانی منوط و مشروط به تحقق رفتار مجرمانه از جانب مرتکب نیست تا تعریف آن را محدود به این امر نماییم و فردی که رفتار را اراده نموده و نتیجه مجرمانه را قصد نماید، دارای عنصر روانی است هر چند نتواند رفتار مورد نظر خود را مرتکب شده تا شامل عنوان بزهکار گردد. به بیان دیگر می‌توان گفت هرچند رکن روانی وضعیتی درونی و ناظر به عنصر مادی است، ولی تحقق آن نیازمند تحقق عنصر مادی جرم نیست. ایراد دیگری که به آن وارد می‌باشد اینکه تعریف فوق متعلق رکن روانی را منحصرأ رکن مادی جرم دانسته است. این امر در اکثر موارد درست بوده ولی همیشگی نیست. در مقررات کیفری موارد زیادی است که رکن روانی یک جرم از حوزه رکن مادی آن جرم فراتر رفته و شامل مواردی غیر از مادیات جرم می‌شود. به عنوان مثال می‌توان جرم نشر اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات^۲ را ذکر کرد. زیرا در این جرم قانونگذار قصد

^۱. Mens rea

^۲. ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی با امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راسأ یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا

اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی و یا مقامات رسمی را از جمله اجزاء عنصر روانی مرتکب دانسته است. بدون آنکه از نظر رکن مادی نیازی به تحقق ضرر به غیر یا تشویش اذهان عمومی باشد. برخی از حقوق دانان گفته‌اند منظور از عنصر روانی آن است که مرتکب، عملی را که طبق قانون جرم شناخته شده با قصد مجرمانه انجام داده یا اینکه در ارتکاب عمل، مرتکب خبط و تقصیر جزایی شده باشد. (محسنی، ۱۳۹۶: ۲۰۱) در تعریف دیگری آمده است: «فعالیت آگاهانه روانی و ذهنی یا حرکت ذهنی با احتمال وقوع نتیجه مغایر قانون جزا را رکن روانی می‌گویند.» (قیاسی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۹) بنابراین خواستگاه عنصر روانی، ذهن مرتکب است، یعنی محلی که تمام کنش‌های ذهنی فرد در آنجا شکل می‌گیرد. اما این امر که عنصر روانی، محدود به موردی که فرد به طور وضوح تصمیم به نقض قانون را می‌گیرد نمی‌شود، یک امر بدیهی است. زیرا عنصر روانی هم در جرائم عمدی و غیر عمدی لازم است و محدود به جرائم عمدی نیست. عنصر روانی فقط محدود به موردی که فرد به طور وضوح تصمیم به نقض قانون می‌گیرد، نمی‌شود. بلکه در موردی هم که آن فرد آگاه و متوجه است احتمال دارد که عمل او منجر به نتیجه مجرمانه شود، ولی باز آن عمل را انجام می‌دهد را شامل می‌شود.

۲- عناصر تشکیل دهنده رکن روانی جرم

رکن روانی یکی از ارکان سازنده جرم تلقی می‌شود که در صورت فقدان آن، تحقق جرم ناممکن می‌شود. بر این اساس، ضرورت وجود رکن مذکور ایجاب می‌نماید که مقام تعقیب علاوه بر اثبات دو رکن قانونی و مادی به اثبات رکن روانی (معنوی) جرم نیز بپردازد. زمانی که شخصی آگاهانه و به میل خود می‌خواهد جرمی را مرتکب شود و در عین حال خواستار حصول نتیجه آن نیز هست، از لحاظ کیفری با احراز سوءنیت یا قصد مجرمانه، مسئول شناخته می‌شود و جرم وی عمدی خواهد بود.

۲-۱- عنصر ارادی یا قصد

مرتکب علاوه بر علم به حکم و موضوع باید نقض قانون را بخواهد یا در حین انجام رفتار مجرمانه، وقوع نتیجه مجرمانه از رفتار ارتكابی قابل پیش‌بینی و محتمل‌الوقوع باشد تا عناصر رکن روانی تکمیل گردد. بنابراین، مرتکب باید در حین ارتکاب رفتار مجرمانه، اراده و آگاهی لازم را به عنوان دو جزء قصد هم نسبت به تخطی از قوانین کیفری و هم نسبت به وقایع مادی

تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از یک ماه تا یک سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.»



جرم داشته باشد، این عناصر و ترسیم محدوده آن‌ها در حقیقت از ویژگی‌های بارز حقوق کیفری می‌باشد. لیکن آگاهی به عنوان یکی از اجزای قصد باید از نوع توان ارزیابی و درک باشد (منصور آبادی، ۱۳۹۵: ۳۵۴) و متوجه تمام ارکان اساسی جرم شود. بنابراین بر اساس یک نظر، رکن مادی و همچنین رکن قانونی جرم باید در رویکرد قصد و آگاهی فرد حین ارتکاب جرم قرار گیرند (صادقی، ۱۴۰۱: ۱۶۲).

۲-۲- عنصر علم یا آگاهی

مرتکب حین ارتکاب جرم عالم و آگاه باشد در حال ارتکاب رفتاری است که در گذشته جرم انگاری شده و در حال انجام عمل جرم‌انگاری شده مذکور است. یعنی هم علم به قانون داشته باشد و هم نسبت به موضوع آگاهی داشته باشد. مقصود از علم به موضوع، آگاهی از وجود موضوع و درک آن است. در صورتی که مرتکب بی‌اطلاع از وجود موضوع جرم و دچار جهل موضوعی باشد، رکن روانی منتفی است. به عنوان مثال، مرتکب در حال شلیک گلوله به سمت نقطه تاریکی است بدون اینکه بداند انسانی ایستاده، اما درک موضوع فراتر از علم به موضوع است و بیشتر ناظر بر ماهیت و هویت مجنی علیه و نیز وضعی از وی می‌باشد که مؤثر در تحقق جرم ارزیابی می‌گردد و نداشتن چنین درکی شبهه موضوعی را در پی دارد که به صورت‌های اشتباه در شخص (هدف)؛ اشتباه در شخصیت (هویت)؛ اشتباه در وصف موضوع متجلی می‌گردد. همچنین در خصوص علم به حکم (قانون) به عنوان زیر مجموعه یکی از عناصر متشکله جرم با توجه به اینکه قانونگذار علم به قانون را پس از انقضای مدت انتشار آن مفروض پنداشته و همگان را عالم فرض کرده و امکان اثبات خلاف فرض و استثنائات وارده بر این فرض را بیان نموده، لذا ادعای جهل به قانون مسموع نیست. بر این اساس، مطابق با ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود. در این ماده اگرچه قانونگذار جهل به حکم را مانع مجازات ندانسته است، لیکن وجه دیگر این موضوع، که همان علم به قانون و ضرورت آن به عنوان جزئی از اجزای قصد جنایی رکن روانی در تحقق جرم می‌باشد، مسکوت مانده و قانونگذار از تأثیر آگاهی و جهل مرتکب در مجازات سخن گفته است. (زارعت، ۱۳۹۶: ۲۴۶) برخی از حقوقدانان معتقدند در قصد جنایی نیز محدوده اجزای آگاهی و حتی اراده را قانونگذار تعیین می‌کند و لذا در برخی موارد آگاهی به قانون از موضوعاتی است که واقعیت آن باید ثابت شود و در برخی موارد نیازی به این آگاهی به صورت واقعی نیست. لذا در برخی موارد علم به قانون از اجزای رکن روانی است و در برخی موارد این جزء از شمول این

رکن خارج می‌شود و تنها ضرورت وجود آن در قالب اصل قانونی بودن جرم و مجازات نمایان می‌شود که به هیچ وجه علم مرتکب به این موضوع همانند دیگر وقایع مادی جرم موثر در موضوع نیست. این موضوع مشابه مسئولیت اعتباری و یا جرایم مادی صرف است که سوءنیت و با علم به وقایع مادی آن نیازی به اثبات ندارد. (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۱: ۲۳)

۳- عنصر روانی جرم در فقه اسلامی

در حقوق جزای اسلام عنصر روانی از سوی شارع مقدس لحاظ گردیده و فعل مرتکب در حالتی جرم محسوب می‌گردد که فرد مرتکب دارای اراده ارتکاب عمل باشد و این فعل را با سوء نیت (قصد مجرمانه) و یا با خطای جزایی یعنی بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی یا عدم رعایت مقررات و ضوابطی که فاعل این نوع اعمال بایستی آن را رعایت نماید، انجام بدهد. بنابراین چنانچه شخص، قصد ارتکاب عمل را نداشته باشد و کسی او را بدون اختیار به انجام عمل مجبور کرده باشد، این عمل را با سوء نیت یا خطای جزایی انجام نداده و اگر کلیه ضوابط و مقرراتی را که باید در انجام عمل رعایت کند را انجام داده باشد، در این صورت جرم فاقد عنصر روانی است و به هیچ وجه نمی‌توان مرتکب آن را مجازات نمود. (گرچی، ۱۳۸۶: ۳۲۴) در حقوق کیفری اسلام، قاعده ای وضع شده است به نام قاعده «ادرتوا الحدود بالشبهات» «حدها را به شبهه دفع کنید...» مبنای این قاعده بخش اول حدیث شریف نبوی (ص): «ادرتوا الحدود بالشبهات، ولا شفاعه ولا كفاله ولا یمین» است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۷۴) به عنوان مثال اگر دیه را مجازات بدانیم طبیعی است که باید جرم محقق شده باشد و جرم بدون عنصر روانی ممکن نیست و در این صورت شبهه هم می‌تواند مطرح شود و هرگاه دیه را خسارت بدانیم مسلم است که چون متعلق قاعده مجازات یا حکم تکلیفی است، و دیه حکم وضعی است موضوع تخصص از قاعده خارج می‌شود و دیه به قوت خود باقی می‌ماند و این همان حکم منطبق با اصول مذهب است. می‌توان عنوان نمود که شارع مقدس در این مورد نیز با توجه به استعداد جامعه به جای طرح ماهیت، حکم به کاربرد آن داده است و فقه نیز به خوبی از آن بهره برده است. بنابراین مفاد قاعده درء مبین این حقیقت است که کیفرها را به وسیله شبهه‌ها از بین ببرید و در مجموع هر نوع شبهه‌ای، از اجرای قصاص، حدود و سایر کیفرها جلوگیری می‌نماید. (فیض، ۱۳۹۰: ۲۷۵) این همان وضعیتی است که از فقدان عنصر روانی جرم اتفاق می‌افتد، یعنی وجود شبهه بیانگر عدم وجود عنصر روانی است، چون شخص مشتبه هرگز خواهان عمل واقع شده نبوده و نیست و الا مشتبه نیست، ملاحظه می‌شود شارع مقدس بدون ورود به بحث مرکب بودن جرم و

شمارش اجزاء متشکله آن که ممکن است ذهن ساده جامعه نتواند آن را بپذیرد با صدور و اعمال قاعده در کمال نتیجه منظور را تحصیل نموده است. (سکندری بنجار، ۱۳۹۹: ۲۹)

۳-۱- علم بر انجام جرم

فقه‌های اسلامی اعم از امامیه و عامه، بحث علم را یکی از شروط تحقق عمد دانسته و برای اینکه جرمی از نظر آنها عمدی تلقی گردد، حصول دو شرط لازم است: شرط اول آنکه مرتکب به مشروع بودن عمل خود عالم باشد و شرط دوم آنکه نسبت به تحقیق نتیجه مجرمانه عمد داشته باشد. هرگاه عنصر علم مرتکب مورد خدشه و تعرض قرار گیرد، در مصداق عنوان عمد بر عمل ارتكابی، با مانع مواجه می‌باشیم. البته در خصوص اشتباه مرتکب به یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم نتایج مختلفی به بار می‌آید. (امین کلیبر، ۱۳۹۴: ۸۲) نظری در فقه امامیه وجود دارد مبنی بر آنکه لازم است تا مرتکب آگاه باشد رفتار نوعاً سبب آن نتیجه می‌گردد، گرچه به دلیل مبهم بودن آن به عنوان وصف رفتار، این ابهام بر ضابطه ذهنی یعنی آگاه بودن به نوع کشنده بودن نیز سرایت می‌نماید، اما به رغم این موضوع، در حالتی که از دیدگاه فقهی شخص به نوعاً کشنده بودن علم و آگاهی نداشته باشد، وی قابل کیفر تحت عنوان قاتل عمد نمی‌باشد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق: ۲۲؛ خویی، ۱۴۲۲ق: ۴)

۳-۲- عمد بر انجام جرم

بنا به نظر عمده مشاهیر فقه‌های امامیه عنصر عمد محقق می‌گردد به قصد شخص عاقل و بالغ به چیزی که نوعاً کشنده باشد (قتل) و چنانچه به ندرت کشنده باشد، جای شک و تردید می‌باشد. اگرچه تعریف مذکور در رابطه با جرم قتل است، با وحدت ملاکی که طبق معیارهای درج شده در تعریف فوق به عمل می‌آید می‌توان گفت در صورتی عمل ارتكابی عمدی تلقی می‌گردد که اولاً فرد نسبت به مجرمانه بودن عمل خویش، عالم باشد، ثانیاً بلوغ و اختیاری در فرد مرتکب باشد، ثالثاً قصدی در ارتكاب این عمل مجرمانه وجود داشته باشد. در نتیجه از دیدگاه فقه‌ها اگر یکی از عناصر فوق در ارتكاب جرم مخدوش باشد، این عمل ارتكابی عمدی تلقی نمی‌شود.

۳-۳- قصد بر انجام جرم

از دیدگاه فقه‌ها آنچه معتبر بودن قصد را در تحقق جرم به خوبی نشان می‌دهد این است که فقه‌ها در حدود، علم مرتکب به تحریم بزه را یکی از شرایط کلیدی تحقق جرم و اجرای مجازات می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ۴۳۵). بنابراین قصد جرم همواره با علم به جرم بودن عمل ارتكابی همراه است. به عبارت دیگر مرتکب باید بداند عملی جرم می‌باشد تا قصد آن عمل

ناقض شرع را بنماید و همچنین اینکه سوء نیت و قصد جزایی در مقابل غفلت می باشد. و به بیان دیگر قصد، علم و التفات به عمل ارتكابی است. در نتیجه می توان بیان داشت که در فقه امامیه قصد و سوء نیت در تحقق جرم حدی معتبر است. در اینجا این اشکال وارد است که در فقه امامیه، جهل و اشتباه به تحریم، از عوامل رافع مسئولیت کیفری می باشد و علل مذکور عنوان مجرمانه جرم را از بین نمی برد، لکن در صورت ارتكاب مشتبه و جاهل به جرم، باز هم عنوان مجرمانه بوده و فقط مسئولیت کیفری مجرم رفع می شود. بنابراین از رفع مسئولیت توسط این علت ها، نایستی رکن بودن نیت و عدم غفلت را نتیجه گیری کرد. اما می توان بیان نمود که در فقه امامیه در مجازات حدود، نبودن قصد و سوء نیت جزایی در قالب اجبار و جهل و اشتباه و طفولیت و جنون، از علت های رافعه مسئولیت جزایی مرتکب بوده، نه رکن مانع تحقق جرم. (سکندری بنجار، ۱۳۹۹: ۳۳) با توجه به آنچه بیان شد در فقه جزای امامیه در بعضی جرم ها، نیت معتبر بوده و در صورتی که مانعی از نیت بزه، چه قصد فعل و چه قصد نتیجه و یا هر دو مورد باشد، فقیهان امامیه عمل ارتكابی را بزه ندانسته و در بعضی موارد دیگر، من جمله قتل خطای محض، در صورت نبودن قصد هم، فقها عمل ارتكابی را بزه دانسته و مرتکب را مستحق مجازات می دانند. ولی در جرایم حدی، این قصد رکن تحقق عنوان مجرمانه عمل ارتكابی نیست، اما رکن مسئولیت کیفری مجرم می باشد. به این معنی که در نبودن آن عنوان مجرمانه عمل مستوجب حد محقق، ولی مجازات حدی اعمال نمی شود. (سعدی و مرتضوی، ۱۳۹۳: ۵۱)

۳-۴- انگیزه بر انجام جرم

مطابق با نظر فقهای اسلامی انگیزه، مرحله قبل از ارتكاب جرم بوده و نقش مهمی در ارتكاب جرم ایفا کرده، با بررسی احساسات درونی مرتکب می توان قصد مجرمانه را احراز کرد. طبق فقه جزایی امامیه تنها شخصی مجرم می باشد که با سوء نیت دست به ارتكاب عملی بزند که فقه ارتكاب آن را ممنوع دانسته است. پس در فقه امامیه در هر جرم: ۱- باید قبلاً عمل ارتكابی بوسیله شارع جرم دانسته شده و اعلام شود، ۲- عمل ممنوع و حرام را مرتکب جرم در خارج متحقق کرده باشد، ۳- مجرم نسبت به عمل ارتكابی در حین ارتكاب جرم دارای سوء نیت باشد و قصد داشته باشد تا حدود تعیین شده شارع را نقض نماید. در فقه امامیه بدون هر کدام از این سه رکن، جرم متحقق نمی گردد. در نتیجه در فقه امامیه انگیزه در تحقق ارکان جرم نقشی نداشته و جزء ارکان جرم محسوب نمی گردد. (عوده، ۱۳۷۳: ۱۴۸). افزون بر این، انگیزه در فقه امامیه از علل زایل کننده جرم نیست و انگیزه مجرم، عنوان مجرمانه عمل ارتكابی را از بین

نمی‌برد، هر چند شریف و پسندیده باشد. هر کس به هر انگیزه‌ای مرتکب عمل حرام گردد، در فقه امامیه، مورد مجازات قرار گرفته و انگیزه وی نمی‌تواند دلیلی برای رفع مجازات باشد.

۴- اصول حاکم بر عنصر روانی

حقوق کیفری مانند تمام علوم دیگر، از نوعی قاعده‌مندی برخوردار بوده و دارای اصولی است که با استفاده از آن‌ها می‌توان به حل مسائل پرداخته و تکلیف دعوای کیفری را مشخص نمود. (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۶) بنابراین در این مبحث به بیان اصول اساسی حاکم بر عنصر روانی در جرایم عمدی و غیر عمدی می‌پردازیم.

۴-۱- اصل لزوم عنصر روانی

مطابق این اصل، تحقق تمامی جرایم مستلزم احراز عنصر روانی مرتکب است و هیچ رفتاری بدون وجود عنصر روانی، جرم نخواهد بود. بر این اساس، آنچه مرتکب را سزاوار سرزنش کیفری می‌سازد، نه صرف ارتکاب رفتار و پیامد آن بلکه وضعیت ذهنی او نسبت به آن‌هاست. به عبارت دیگر، تا رفتار ارتكابی قابل سرزنش نباشد، فاعل نیز قابلیت مؤاخذه و مجازات ندارد. رفتار ممنوع و مجرمانه هم زمانی قابل سرزنش است که از رابطه ذهنی مثبت و احیاناً از رابطه ذهنی منفی فاعل، با آن برخیزد. رابطه نخست همان عمد یا تقصیر عمدی و رابطه دوم همان خطا و بی‌مبالاتی یا تقصیر غیر عمدی است. (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۷) نکته مهم اینکه عدم اشاره قانون‌گذار به عنصر روانی در برخی جرایم، مثل صدور چک پرداخت نشدنی به معنی عدم لزوم عنصر روانی در آن جرایم نیست، بلکه در جایی که قانونگذار عنصر روانی را صراحتاً مشخص نکرده باشد، عنصر روانی آن را باید عمدی به حساب آورد.

۴-۲- اصل لزوم تطابق عنصر مادی و روانی

جرم پدیده‌ای متشکل از عنصر مادی و روانی می‌باشد که عنصر مادی ناظر به جنبه مادی و عینی و عنصر روانی ناظر به جنبه ذهنی و درونی است. عنصر روانی باید در تمامی اجزاء عنصر مادی جریان داشته باشد و هیچ جزئی از عنصر مادی را نمی‌توان یافت که بدون عنصر روانی باشد. لذا در صورتی که جزئی از عنصر مادی مشمول عنصر روانی مرتکب نباشد، نمی‌توان جزء مزبور را از نظر روانی به حساب او گذاشت. در حقوق کیفری ایران نیز این اصل مورد پذیرش واقع شده و ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی به صورت ضمنی به این اصل اشاره می‌کند. طبق این ماده در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آن‌ها منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه

یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود. از ماده فوق این نتیجه حاصل می‌شود که قانونگذار تحقق جرایم عمدی را منوط به تعلق قصد مرتکب به اجزاء عنصر مادی جرم اعم از رفتار، موضوع و نتیجه دانسته و این امر، چیزی جز اصل تطابق عنصر مادی و روانی نیست. (مصباح زاده، ۱۳۹۸: ۳۳)

۴-۳- اصل لزوم هم‌زمانی عنصر مادی و روانی

مطابق این اصل، عنصر مادی و روانی باید در یک لحظه از زمان واقع شوند و در صورتی که عناصر مزبور، نه در یک زمان بلکه در زمان‌های متعدد به وجود آیند، نمی‌توان جرم را محقق دانست. البته این نکته را باید توجه داشت که تمامی اجزاء عنصر مادی در یک لحظه واقع نمی‌شوند. مثلاً رفتار مرتکب در قتل عمدی، در لحظه‌ای و مرگ به عنوان نتیجه، در فاصله‌ای گاه طولانی واقع می‌شود. پس مراد از اصل، هم‌زمانی عنصر روانی با رفتار مجرمانه است نه هم‌زمانی عنصر روانی با تمامی اجزاء عنصر مادی. بنابر این در جرم قتل عمدی، در صورتی که مرتکب، با علم به وجود یک انسان زنده و با هدف کشتن او، اقدام به تیر اندازی کند هم‌زمانی عنصر مادی و روانی محقق شده است.

۵- بدعت قانون مجازات اسلامی در باب عنصر روانی

از جمله نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در باب عنصر روانی جرم مواردی همچون علم و آگاهی مرتکب به کشنده بودن عمل ارتكابی و علم و آگاهی در حین ارتكاب جرم است که در این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱- علم و آگاهی مرتکب به کشنده بودن عمل ارتكابی

در قانون مجازات اسلامی، برای تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتكاب رفتار مجرمانه احراز گردد و در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.^۱ همچنین مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتكاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.^۲ گذشته از موارد فوق، مقنن در کتاب قصاص برای تعیین تکلیف نوع قتل‌هایی که به لحاظ جهل

^۱. ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

^۲. ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲



به موضوع اتفاق می‌افتند، مطابق با ماده ۲۹۱ نوع آن را شبه عمدی بیان نموده است.^۱ البته مقنن همیشه به این اعتقاد خود پایبند نبوده و مطابق با ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی اشتباه در هویت را استثنائاً قتل عمدی دانسته است.^۲ از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد خطای محض، خروج از مرزهای فقدان فقدان قصد متعارف خطای محض است. شمول این تبصره بر بند پ به این معناست که صرف نتیجه حاصله، فقدان قصد فعل نسبت به مجنی علیه و فقدان تقصیر، در صورت کافی برای خطای محض بودن کافی است که مرتکب متوجه و آگاه نباشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد. در غیر اینصورت هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود. (آقایی‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۱۵)

۵-۲- علم و آگاهی در حین ارتکاب جرم

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار به درستی علم به نوعاً کشنده بودن را لازم دانسته است و دادگاه‌ها نمی‌توانند بدون احراز چنین علمی حکم به تحقق قتل عمدی دهند. مطابق بند «ب» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد، ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود. امری که در بند «پ» همان ماده به صورتی دیگر تکرار شده است. «هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده، نمی‌شود. لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت می‌شود، مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.» بر این اساس، کلمه «قصد» در عبارات «هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد» در ماده مزبور به معنای خواست تحقق مرگ به کار رفته است؛ یعنی در صورتی که مرتکب خواهان تحقق مرگ نباشد، اما آگاه باشد که رفتار او به صورت نوعی منجر به مرگ

^۱. بند ب از ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.»

^۲. ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد مورد نظر هردو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می‌شود.»

می‌گردد، بر اساس بند «ب» مزبور، قاتل عمدی شناخته خواهد شد. قانون‌گذار در بندهای «ب» و «پ» ماده ۲۹۰ داشتن قصد کشتن را در قتل عمدی مهم ندانسته، بلکه انجام کار نوعاً کشنده مطلق را در بند «ب» نوعاً کشنده را در بند «پ» از این ماده، در تحقق قتل عمدی کافی دانسته است؛ بنابراین رفتار نوعاً کشنده به دو دسته نوعاً کشنده مطلق و نوعاً کشنده نسبی تقسیم می‌گردد. در بند «پ» ماده ۲۹۰ علاوه بر عللی که در مجنی‌علیه وجود دارد، به شرایطی که مربوط به موقعیت خاص زمانی یا مکانی مربوط می‌شود، نیز اشاره شده است. نکته مهم اینکه ارتکاب عمل نوعاً کشنده در این مورد مانند بند «الف» ماده ۲۹۰ نیاز به عنصر روانی دارد، اما عنصر روانی فاعل در اینجا بر خلاف بند «الف» قصد کشتن نیست؛ بلکه قصد فعل قتاله توأم با علم یا آگاهی فاعل نسبت به نوع رفتار خود و خطرناکی عمل خود است. مقنن سال ۱۳۹۲ برای رفع هرگونه ابهام در بند «ب» ماده ۲۹۰ شرط آگاه‌فاعلی نسبت به نوعا کشنده بودن رفتار را صراحتاً آورده و گفته است: «هرگاه مرتکب عمداً کار انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن را نداشته باشد، ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود»؛ بنابراین عنصر روانی فاعل در قتل‌های نوعاً کشنده قصد کشتن نیست، بلکه آگاهی و متوجه بودن فاعل نسبت به نوعاً کشنده بودن رفتار خود است. آنچه از نیز بند «پ» ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ استنباط می‌شود، یک دسته از وضعیت‌های مجنی‌علیه ظاهری است؛ یعنی هر شخص متعارف با این خصوصیات آشناست. از بین مصادیق ذکر شده پیری، کودکی و ناتوانی، جنبه ظاهری دارند؛ اما مقنن ملاکی برای تشخیص آن ارائه نکرده است. (ولیدی ۱۳۹۱: ۲۴۵) علم به موقعیت مکانی و زمانی مصداق دیگری از علم به موضوع که از شروط تحقق عنصر روانی در قتل عمدی است، آگاهی فاعل نسبت به وضعیت مکانی یا زمانی خاص است که موجب مرگ مجنی‌علیه شده است.

۶- جرایم فاقد عنصر روانی

برخی از جرایم نیازی به عنصر روانی یا معنوی یعنی سوءنیت یا قصد مجرمانه ندارند، که به این نوع از جرایم، در حقوق کیفری ایران جرایم مادی صرف یا جرایم دو عنصری (عنصر قانونی و عنصر مادی) است و عبارت از ارتکاب جرمی می‌باشد که تنها و صرفاً با انجام عمل مادی از ناحیه مرتکب و بدون در نظر گرفتن قصد مجرمانه (سوءنیت) یا وجود تقصیر یا خطای جزایی از ناحیه وی، عنصر روانی جرم تحقق پیدا می‌کند. به بیان دیگر عنصر روانی در اینگونه جرایم

مفروض قانونی است. در واقع با وجود تصریح قانونی برای جرم شناختن امری و صرف احراز عنصر مادی آن، جرایم مزبور محقق می‌شوند و نیازی به اثبات قصد مجرمانه مرتکب نمی‌باشد. مانند چک پرداخت نشدنی یا بلامحل یا عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی. (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۱۸۸) بنابراین، شرایط تحقق عنصر روانی یا معنوی در جرایم مادی صرف منحصر به تحقق اراده ارتکاب است و مراد از اراده ارتکاب که در کلیه جرایم عمدی، غیر عمدی و مادی صرف مشترک می‌باشد، شامل نقض یکی از مقررات جزایی به میل و اختیار فاعل آن است، بدون اینکه اثبات قصد مجرمانه یا تقصیر مرتکب ضرورت داشته باشد. به عبارت دیگر با انجام عمل مادی که قانونگذار آن را منع کرده است، عنصر روانی مرتکب مفروض تلقی می‌گردد و مرتکب قابل تعقیب و مجازات خواهد بود. بنابراین در جرایم مادی صرف یا جرایم دو عنصری همه چیز بستگی به اراده ارتکاب دارد. (ولیدی، ۱۳۷۸: ۲۸۱) با بررسی مواد مختلف از قانون مجازات اسلامی تعزیرات مشخص می‌شود که در حدود ۷۰ ماده از ۲۳۲ ماده آن هیچ اشاره‌ای به کلمه‌ای که مبنی بر لزوم عنصر روانی باشد، نشده است و در بقیه مواد نیز با عبارات و واژگانی چون: به قهر و غلبه، به عنف، عالماً عامداً، عدواناً و ... به عنصر روانی لازم برای تحقق جرایم اشاره شده است. حال به نظر می‌رسد، عدم ذکر عنصر روانی در این مواد قانونی به دلیل صراحت افعال به کار رفته در اکثر قریب به اتفاق این جرایم و مستتر بودن سوءنیت مرتکب در رفتار ارتكابی وی است. بنابراین قانونگذار به علت بدیهی بودن این امر، از بیان عنصر روانی اجتناب نموده و گرنه اثبات آن برای احراز وقوع بزه و مسئول شناخته شدن مرتکب لازم و ضروری است. به عنوان مثال در ماده مربوط به ارتشاء ذکر از عنصر روانی نشده است، لیکن در ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات که مربوط به واسطه‌گری در ارتشاء می‌باشد به عنصر روانی لازم با استعمال عبارات «عالماً عامداً» اشاره گردیده است. به نظر می‌رسد در حقوق کیفری ایران تنها جرمی که با صراحت از آن به عنوان جرم مادی صرف یاد شده، جرم صدور چک بلامحل است. این جرم صرفاً به دلیل عدم ذکر عنصر روانی نیست که آن را دارای ماهیت مادی صرف می‌کند، بلکه با توجه به اینکه صدور چک یک عمل رایج است و به تبع آن وجود قلم خوردگی نیز در آن فی نفسه جرم نیست، و اگر مقنن بر این بوده که این رفتار عادی را در برخی موارد به عنوان جرم اعلام کند، بایستی که عنصر روانی لازم برای تحقق آن را نیز ذکر می‌کرد، اما عدم ذکر آن دلیل قاطع بر ماهیت مادی صرف بودن آن است. (احدی، ۱۳۸۹: ۱۶۲)

۷- عنصر روانی جرم در حقوق کیفری فرانسه

عنصر روانی جرم (élément moral) در حقوق جزای فرانسه نشان دهنده نیت یا حالت ذهنی متهم هنگام ارتکاب جرم است و یکی از سه عنصر اصلی جرم (در کنار عنصر مادی و عنصر قانونی) به شمار می آید. بر اساس حقوق فرانسه، عنصر روانی به طور کلی به قصد مجرمانه یا خطا (faute) اشاره دارد که در جرائم عمدی و غیرعمدی به اشکال مختلف ظاهر می شود. به ویژه، ماده ۱۲۱-۳ قانون جزای فرانسه تصریح می کند که عنصر روانی جرم ممکن است به شکل قصد انجام عمل غیرقانونی یا به دلیل بی احتیاطی و بی مبالاتی متهم وجود داشته باشد. از نظر فلسفی و تاریخی، عنصر روانی جرم در حقوق فرانسه با اصول روشنگری قرن هجدهم، مانند آزادی اراده و مسئولیت فردی، مرتبط است. مجازات باید مبتنی بر مسئولیت اخلاقی و قصد فرد باشد. این اندیشه ها تأثیر به سزایی در تدوین اصول حقوق کیفری مدرن فرانسه داشته اند.^۱ بنابراین عنصر روانی در حقوق کیفری فرانسه یکی از ارکان مهم در تعیین مسئولیت کیفری است که بر اساس قوانین مختلف و رویه قضائی قابل تحلیل است. طبق ماده ۱۲۱-۳ قانون جزا، مسئولیت کیفری در صورتی پذیرفته می شود که فرد یا نیت ارتکاب جرم داشته باشد (dolus) یا از بی احتیاطی (culpa) اقدام کرده باشد. این تمایز در اصول حقوقی فرانسه، به تفکیک جرایم عمدی و غیرعمدی کمک می کند.^۲ در خصوص نیت (dolus)، دو نوع نیت مستقیم و غیرمستقیم مطرح می شود. "Dolus directus" به معنای نیت مستقیم و واضح برای ارتکاب جرم است، در حالی که "dolus eventualis" شامل حالتی است که فرد احتمال وقوع جرم را پیش بینی کرده اما با وجود آن عمل خود را انجام می دهد. این دو نوع نیت در پرونده های مختلف بررسی و تفکیک می شوند، مانند پرونده "Cass. crim ۱۳ مارس ۲۰۰۱" که در آن دادگاه نیت غیرمستقیم را به دقت تبیین کرد.^۳ در بی احتیاطی یا culpa، قانون فرانسه همچنین میان انواع بی احتیاطی تمایز قائل می شود. بی احتیاطی می تواند از نوع ساده باشد که در آن فرد از مراقبت های معمول غافل می شود، یا بی احتیاطی شدید که موجب وقوع جرم می شود. در پرونده "Cass. crim. ۲۹ آوریل ۱۹۹۲"، دادگاه فرانسه بیان کرد که اگر فرد از میزان مراقبت معقول غافل شود و نتیجه ای ناخواسته حاصل شود، می تواند به مسئولیت کیفری محکوم شود. با توجه به رویه قضائی، دادگاه ها اهمیت زیادی به تبیین دقیق نیت و بی احتیاطی

^۱. Arnoux, ۲۰۱۹, L'élément moral et la preuve judiciaire, Revue générale de droit, p. ۲۲۱-۶

^۲. Deschamps, Jean, *Droit pénal spécial*, ۸th edition, Dalloz, ۲۰۱۵, p. ۱۷۰

^۳. Dupont, Allen, "Mens Rea in French Criminal Law," *Revue de Droit Pénal*, ۲۰۰۲, p. ۱۴۰



می‌دهند. برای مثال، در پرونده‌های قتل غیر عمدی، همان‌طور که در ۲۵. "Cass. crim." نوامبر ۲۰۱۴ آمده است، دادگاه‌ها برای اثبات بی‌احتیاطی به دلایلی همچون عدم رعایت مراقبت‌های معمول از سوی متهم توجه دارند. در نهایت، رویه قضائی و منابع قانونی در حقوق جزای فرانسه به تفکیک دقیق عنصر روانی کمک کرده‌اند و این تمایز میان نیت و بی‌احتیاطی، در تعیین نوع و شدت مجازات‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کند.^۱ به طور کلی عنصر روانی در حقوق فرانسه به دو دسته کلی جرایم عمدی و غیر عمدی تقسیم می‌شود.

۷-۱- جرایم عمدی (Infractions intentionnelles)

در حقوق جزای فرانسه، جرایم عمدی یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل در تعیین مسئولیت کیفری است. جرایم عمدی به معنای اعمالی هستند که فرد با آگاهی و قصد انجام آن‌ها، منجر به وقوع جرم می‌شود. به عبارت دیگر، در این نوع جرایم، متهم نه تنها نسبت به نتیجه‌ی عمل خود آگاه است بلکه آن را نیز به عمد انجام می‌دهد. در این راستا، عنصر روانی جرم که به آن "قصد" (intention) نیز گفته می‌شود، به‌عنوان بخش اصلی مسئولیت کیفری در این جرایم مطرح است.^۲ در حقوق جزای فرانسه، عنصر روانی جرم عمدی در ماده ۳-۱۲۱ قانون جزا این کشور به‌طور مشخص تعریف شده است. طبق این ماده، هرگونه فعل یا ترک فعل که با قصد ارتکاب جرم انجام شود، جزو جرایم عمدی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در جرایم عمدی، فرد باید از نیت خود آگاه باشد و نتیجه‌ای که از عمل او حاصل می‌شود، باید به‌طور واضح در ذهن او قرار داشته باشد. بنابراین، قصد و نیت متهم برای وقوع جرم، جزء جدایی‌ناپذیر مسئولیت کیفری است.^۳ در جرایم عمدی، فرد با علم و آگاهی کامل از خطرات یا نتایج فعل خود آن را انجام می‌دهد. در این نوع جرایم، قصد ارتکاب جرم به‌طور دقیق و به طور کامل در ذهن فرد شکل می‌گیرد و به‌عنوان عنصری ضروری برای اثبات مسئولیت کیفری، آن را اثبات می‌کند. به طور مثال، در جرایم قتل عمد، فرد با قصد کشتن دیگری عمل می‌کند و این قصد به‌طور مستقیم و آگاهانه در ذهن او وجود دارد.^۴ در مورد جرایم عمدی، داوران و قضات فرانسه

^۱ Allix, Albert "The Role of Mens Rea in French Criminal Jurisprudence", French Law Review, ۲۰۰۴, p. ۱۵۲

^۲ Pau, Jean, "Droit pénal général", ۱۰th Edition, ۲۰۲۰, Presses Universitaires de France, pp. ۵۰-۵۵

^۳ Duvivier, David, "La notion de l'intention criminelle dans le droit pénal français," *Revue de Droit Pénal et de Criminologie*, ۲۰۱۸, Vol. ۲, pp. ۲۲۷-۲۲۹

^۴ Cau, Thierry, "Introduction au droit pénal français", ۱۲th Edition, Editions LGDJ, ۲۰۲۱, pp. ۱۴۰-۱۴۲



باید به طور دقیق به بررسی قصد و نیت متهم بپردازند. در پرونده‌های مختلف، مانند *Affaire des "Crimes de la Chambre"* (۱۹۹۵)، قاضی‌ها باید مشخص کنند که آیا متهم از قصد خود برای ارتکاب جرم آگاه بوده یا خیر. در این موارد، مقصود قضات بررسی این است که آیا عمل متهم نه تنها به قصد وقوع جرم، بلکه به طور روشن و واضح در ذهن او وجود داشته است یا خیر. در اینجا، اهمیت توجه به ویژگی‌های روانی متهم و نیت او برای اثبات جرم، امری ضروری است.^۱

۷-۲- جرایم غیر عمدی (*Infractions non intentionnelles*)

در حقوق کیفری فرانسه، جرایم غیر عمدی به جرایمی اطلاق می‌شود که در آن فرد قصد ارتکاب جرم را ندارد، بلکه عمل او ناشی از بی‌مبالاتی، سهل‌انگاری یا عدم دقت در انجام مسئولیت‌ها است. عنصر روانی جرم در این نوع جرایم به طور معمول با «بی‌مبالاتی» یا «قصور» (*négligence*) شناخته می‌شود، که به معنای عدم رعایت استانداردهای عمومی ایمنی یا مراقبت است. در این زمینه، تفاوت عمده‌ای بین جرایم عمدی و غیر عمدی وجود دارد، زیرا در جرایم غیر عمدی فرد به طور مستقیم نیت ارتکاب جرم را ندارد بلکه فقط بی‌مبالات است.^۲ عنصر روانی جرم در جرایم غیر عمدی معمولاً از طریق قصور یا بی‌مبالاتی مشخص می‌شود. طبق ماده ۳-۱۲۱ قانون جزا، فردی که با بی‌مبالاتی، بی‌دقتی یا غفلت باعث وقوع یک جرم می‌شود، مسئول شناخته می‌شود. این نوع بی‌مبالاتی به این معناست که فرد درک کامل از خطرات عمل خود ندارد و نتایج احتمالی آن را نادیده می‌گیرد. این مورد به‌ویژه در جرایمی مانند قتل غیر عمد و صدمات بدنی غیر عمد مطرح است. به عنوان مثال، در پرونده *R v. Mazet* (۲۰۰۰)، دادگاه به بررسی بی‌مبالاتی در زمینه رانندگی پرداخته و اظهار داشت که این نوع جرم زمانی رخ می‌دهد که فرد به طور غیرقانونی و بدون توجه به خطرات موجود عمل کند.^۳ در حقوق فرانسه، مهم است که تمایز بین بی‌مبالاتی و قصد در جرایم غیر عمدی روشن شود. در حالی که در جرایم عمدی فرد با قصد قبلی و آگاهی کامل از نتایج عمل خود اقدام می‌کند، در جرایم غیر عمدی، متهم به طور غیرمستقیم و بدون پیش‌بینی عواقب، اقدام به عمل کرده است. بنابراین، در جرایم غیر عمدی، میزان مسئولیت کیفری فرد بستگی به شدت

^۱ Schneider, Pierre, "La responsabilité pénale en droit français: entre intention et négligence," **Revue de Droit Pénal**, ۲۰۱۷, Vol. ۴, pp. ۱۱۲-۱۱۵

^۲ Bousquet, Pascal, **Droit pénal spécial**, ۱۱th Edition, Dalloz, ۲۰۱۹, pp. ۱۲۰-۱۲۲

^۳ Lemoine, Pierre, "La négligence en droit pénal français," **Revue de Droit Pénal et de Criminologie**, ۲۰۱۷, Vol. ۲, pp. ۱۱۵-۱۱۸



بی‌مبالاتی او دارد. در این‌گونه جرایم، معمولاً دادگاه‌ها به بررسی معیار «شخص معقول» پرداخته و ارزیابی می‌کنند که آیا فرد در شرایط مشابه باید نسبت به خطرات آگاهی دارد یا خیر.^۱ در بسیاری از موارد حقوقی، مانند تصادفات رانندگی یا حوادث کار، بی‌مبالاتی به‌عنوان عنصر روانی جرم شناخته می‌شود. پرونده "R v. Clément" (۲۰۱۵) نمونه‌ای از این قضایا است که در آن فردی به دلیل عدم رعایت استانداردهای ایمنی در محیط کاری به قتل غیرعمد محکوم شد. دادگاه در این پرونده بررسی کرد که آیا متهم قادر به پیش‌بینی خطرات ناشی از عمل خود بوده است یا خیر. این‌گونه تحلیل‌ها در تعیین مسئولیت فرد در جرایم غیرعمدی نقش حیاتی دارند.^۲

۸- بار اثبات عنصر روانی در حقوق کیفری فرانسه

در حقوق کیفری فرانسه، بار اثبات عنصر روانی (mens rea) یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تعیین مسئولیت کیفری است. این موضوع ریشه در اصول کلی حقوق کیفری دارد که بر مبنای نیاز به اثبات نیت یا آگاهی متهم برای ارتکاب جرم استوار است. طبق ماده ۱۲۱-۳ قانون جزای فرانسه، دادستان باید ثابت کند که متهم در هنگام ارتکاب عمل غیرقانونی، نیت مجرمانه داشته یا آگاهی از پیامدهای احتمالی آن را دارا بوده است.^۳

۸-۱- بار اثبات و نقش دادستان

در نظام کیفری فرانسه، بار اثبات عنصر روانی به عهده دادستان است که باید ثابت کند متهم به‌صورت آگاهانه و با قصد ارتکاب عمل مجرمانه رفتار کرده است. این امر شامل ارائه شواهد مادی، شهادت، و قرائن است که بتوانند وجود قصد یا بی‌احتیاطی شدید را نشان دهند. این بار اثبات از اصول اساسی سیستم عدالت کیفری فرانسه ناشی می‌شود که بیان می‌دارد هیچ‌کس بدون دلایل کافی محکوم نمی‌شود.^۴

^۱. Maistre, Marc, *Droit pénal général*, ۵th Edition, LexisNexis, ۲۰۱۸, pp. ۳۴۰-۳۴۲

^۲. Pirelli, Thomas, "La négligence et la responsabilité pénale," *Revue de Droit Pénal*, ۲۰۱۶, Vol. ۱, pp. ۱۰۱-۱۰۴

^۳. Pradel, J., *Droit pénal général*, ۲۲nd ed., Cujas, ۲۰۲۳, p. ۱۵۶

^۴. Fauvarque-Cosson, B., "The Principle of Legality in French Criminal Law," *Journal of Comparative Law*, Vol. ۱۱, ۲۰۲۱, p. ۴۵



۸-۲- اصل برائت و نقش متهم

طبق اصل برائت (présomption d'innocence)، اگر شک معقولی درباره وجود عنصر روانی باقی بماند، متهم باید تبرئه شود. این اصل در ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) به رسمیت شناخته شده و در قوانین مدرن نیز اعمال می‌شود. در پرونده‌هایی که متهم مدعی عدم قصد مجرمانه است، دادستان باید مدارک کافی برای رد این ادعا ارائه دهد.^۱

۸-۳- توزیع بار اثبات در دفاعیات

در برخی موارد مانند ادعای دفاع مشروع یا جنون، بار ارائه شواهد اولیه بر عهده متهم است، اما بار نهایی اثبات بر عهده دادستان باقی می‌ماند. این تقسیم‌بندی به منظور تعادل بخشی میان حقوق متهم و منافع عمومی انجام می‌شود. به عنوان مثال، اگر متهم ادعا کند که تحت فشار روانی شدید مرتکب جرم شده، باید شواهدی برای اثبات این ادعا ارائه دهد، اما در نهایت دادستان باید ثابت کند که این شرایط واقعاً وجود نداشته است.^۲

۸-۴- ارزیابی آزاد شواهد

در حقوق جزای فرانسه، قاضی اختیار دارد شواهد را آزادانه ارزیابی کند. این به معنای آن است که هر مدرکی که به روشن شدن نیت متهم کمک کند، قابل قبول است. این آزادی، در کنار اصل برائت، تضمین می‌کند که حقوق متهم محفوظ بماند و عدالت رعایت شود. بار اثبات عنصر روانی در حقوق جزای فرانسه به طور مستقیم بر تعادل عدالت تأثیر می‌گذارد. از یک سو، وظیفه دادستان برای اثبات نیت مجرمانه، مانع از محکومیت ناعادلانه متهم می‌شود. از سوی دیگر، توزیع محدود بار اثبات میان طرفین دعوا، انعطاف لازم را برای مواجهه با شرایط مختلف فراهم می‌کند.^۳

۹- رویکرد قانونگذار به جرایم مطلق در فرانسه

در حقوق کیفری فرانسه، رویکرد قانونگذار به جرایم مطلق (strict liability crimes) از سنت‌های حقوقی این کشور و اصول بنیادی سیستم کیفری آن پیروی می‌کند. به طور کلی، قانون جزای فرانسه تمایل کمی به پذیرش جرایم مطلق دارد، زیرا تأکید زیادی بر وجود عنصر

^۱ .Levasseur, G., "The Role of Mens Rea in French Criminal Law," *Revue pénale*, ۲۰۱۹, p. ۸۸

^۲ .Pradel, J., *Droit pénal général*, ۲۰۲۳, ۲۲nd edition, Cujas, p. ۱۷۲

^۳ .Nobles, R., and Schiff, D., "Criminal Evidence in Comparative Perspective," *International Journal of Law*, ۲۰۲۰, p. ۱۰۲



روانی (mens rea) و اصل تقصیر دارد. این اصول به طور گسترده در قوانین و رویه‌های حقوقی فرانسه حفظ شده و به عنوان معیار اصلی مسئولیت کیفری شناخته می‌شوند.^۱

در حقوق فرانسه، جرایم مطلق اغلب به حوزه تخلفات اداری و مقرراتی (contraventions) محدود می‌شوند، نه جرایم سنگین. این محدودیت به دلیل تعهد فرانسه به حفظ اصول عدالت کیفری و تضمین رعایت حقوق متهم است. برخلاف برخی نظام‌های حقوقی، در فرانسه تاکید بر این است که حتی در جرایمی که ظاهر آن‌ها به جرایم مطلق شبیه است، قاضی می‌تواند عنصر روانی را به شکل غیرمستقیم مورد ارزیابی قرار دهد. به عنوان مثال، در برخی تخلفات زیست‌محیطی یا بهداشتی، حتی اگر قانون به صراحت نیازی به اثبات قصد مجرمانه نداشته باشد، قاضی ممکن است بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری را به عنوان عامل کلیدی در نظر بگیرد.^۲

در عمل، استفاده از مسئولیت مطلق در فرانسه بیشتر در موقعیت‌هایی اتفاق می‌افتد که ضرورت حمایت از منافع عمومی و کاهش خطرات فوری مطرح است. برای مثال، در قوانین راهنمایی و رانندگی یا مقررات بهداشتی، چنین جرایمی با هدف پیشگیری از آسیب‌های گسترده پذیرفته می‌شوند. با این حال، این نوع مسئولیت اغلب با ضمانت‌های قانونی همراه است تا مطمئن شود که افراد بدون تقصیر آشکار، محکوم نمی‌شوند. در نهایت، رویکرد قانونگذار فرانسه نسبت به جرایم مطلق منعکس‌کننده تلاشی برای یافتن تعادل میان سیاست‌های عمومی و اصول بنیادین عدالت کیفری است. در حالی که برخی از جرایم مطلق وجود دارند، دامنه استفاده از آنها محدود است و همچنان عنصر روانی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در بسیاری از تصمیمات حقوقی نقش دارد.^۳

۱۰- عنصر روانی جرم در حقوق کیفری انگلستان

عنصر روانی در حقوق کیفری انگلستان با مفهوم Mens Rea شناخته می‌شود و نشان‌دهنده حالت ذهنی یا نیت فرد در هنگام ارتکاب جرم است. این عنصر به همراه عنصر مادی (Actus Reus) برای اثبات مسئولیت کیفری ضروری است. در حقوق انگلستان، عنصر روانی شامل دو

^۱. Ashworth, A., *Principles of French Criminal Law*, Oxford University Press, ۲۰۱۳, pp. ۱۴۲-۱۴۷.

^۲. Horder, J., "Strict Liability and Proportionality in French Criminal Law," *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. ۳۳, ۲۰۱۳, pp. ۵۵-۵۸.

^۳. Simester, A. P., & Sullivan, G. R., *Criminal Law: Comparative Analysis*, Hart Publishing, ۲۰۱۰, pp. ۱۳۰-۱۳۶.



دسته اصلی قصد مستقیم (Direct Intention) و بی‌مبالاتی (Recklessness) است. قصد مستقیم به حالتی اطلاق می‌شود که در آن فرد آگاهانه و عمدی به دنبال نتیجه‌ای خاص است، در حالی که بی‌مبالاتی به آگاهی از احتمال وقوع نتیجه و نادیده گرفتن آن اشاره دارد. این عنصر باید با توجه به تنوع جرایم قابل تفسیر باشد. وی این موضوع را در قالب تحلیل نظری از عدالت کیفری و مسئولیت کیفری ارائه می‌کند.^۱ یکی از مهم‌ترین منابع قانونی در مورد عنصر روانی، ماده ۸ "قانون عدالت کیفری ۱۹۶۷" است. این قانون بیان می‌کند که نیت متهم باید بر اساس شواهد موجود و نه تنها بر اساس پیامدهای طبیعی و محتمل اعمال او ارزیابی شود. این ماده، اصل ذهنی بودن عنصر روانی را به رسمیت می‌شناسد و نقش مهمی در تمایز بین نیت واقعی و احتمال غیرمستقیم پیامدها ایفا می‌کند.^۲ همچنین رویه قضایی نیز نقشی کلیدی در تفسیر عنصر روانی ایفا می‌کند. به عنوان مثال، در پرونده R v Cunningham (۱۹۵۷)، دادگاه تأکید کرد که بی‌احتیاطی باید به صورت ذهنی تفسیر شود؛ یعنی متهم باید آگاهانه خطر را پیش‌بینی کرده باشد. در مقابل، پرونده R v Caldwell (۱۹۸۱) مفهوم بی‌احتیاطی را به صورت عینی تعریف کرد، که بعدها با انتقادات بسیاری مواجه شد و این تعریف محدود گردید.^۳

پرونده‌های R v Woollin (۱۹۹۸) و R v Nedrick (۱۹۸۶) به تفسیر "نیت غیرمستقیم" پرداختند. دادگاه‌ها در این پرونده‌ها بیان کردند که اگر پیامدی به طور واضح و تقریباً قطعی از عمل متهم ناشی شود، هیئت‌منصفه می‌تواند نیت غیرمستقیم را استنباط کند. این تفسیر از عنصر روانی به سمت شفاف‌سازی بیشتر در تشخیص نیت و کاهش سوءبرداشت‌ها پیش رفت.^۴

۱-۱۰- عمد یا قصد (Intention)

به عنوان یکی از عناصر اصلی روانی جرم (mens rea)، به معنای اراده یا نیت متهم برای ایجاد یک نتیجه خاص یا انجام یک عمل ممنوع است. این عنصر در حقوق جزای انگلستان به دو نوع کلی تقسیم می‌شود: قصد مستقیم (direct intention) و قصد غیرمستقیم (oblique intention). این تقسیم‌بندی بر اساس پرونده‌های قضایی شکل گرفته و مفاهیم

^۱. Katty Crosby, ۲۰۰۸, Recklessness: The Continuing Search for a Definition, Journal of Criminal Law, p. ۳۱۳

^۲. Ashworth, *Principles of Criminal Law*, ۷th ed., Oxford University Press, ۲۰۱۳, pp. ۱۴۲-۱۴۵

^۳. Simester & Sullivan, *Criminal Law: Theory and Doctrine*, Hart Publishing, ۲۰۱۰, pp. ۱۳۰-۱۳۵

^۴. Herring, Jeam, *Criminal Law*, ۹th ed., Palgrave Macmillan, ۲۰۲۱, pp. ۱۲۳-۱۲۵



کلیدی در مسئولیت کیفری را روشن می‌کند. قصد مستقیم زمانی وجود دارد که متهم به طور آگاهانه و هدفمند نتیجه‌ای خاص را دنبال می‌کند. در پرونده "R v. Mohan" (۱۹۷۶)، دادگاه بیان کرد که قصد مستقیم به معنای "تصمیم برای رسیدن به یک نتیجه خاص" است، حتی اگر احتمال موفقیت پایین باشد. این تعریف تأکید دارد که متهم باید اراده‌ای آگاهانه برای تحقق نتیجه داشته باشد.^۱ قصد غیرمستقیم، برعکس، به حالتی اشاره دارد که متهم به طور مستقیم به دنبال نتیجه خاصی نیست، اما آگاه است که اقدام وی احتمالاً منجر به آن نتیجه خواهد شد. در پرونده R v. Woollin (۱۹۹۹)، معیار "اطمینان مجازی" (virtual certainty) معرفی شد. بر این اساس، اگر نتیجه به طور قطع یا نزدیک به قطع از عمل متهم ناشی شود و متهم به آن آگاه باشد، قصد غیرمستقیم تلقی می‌شود.^۲ قصد در نظام حقوق کامن‌لا دارای مبنای فلسفی است و از اصولی چون آزادی اراده و مسئولیت اخلاقی ناشی می‌شود. تعریف قصد برای تضمین ارتباط بین اراده آزاد و مسئولیت کیفری ضروری است. این مفهوم در نظام انگلستان نقش تعیین‌کننده‌ای در تمایز جرائم عمدی و غیرعمدی دارد.^۳ قصد در جرایمی مانند قتل عمد اهمیت ویژه‌ای دارد. پرونده "R v. Moloney" (۱۹۸۵) یکی از موارد کلیدی است که در آن دادگاه توضیح داد که قصد باید با انگیزه و هدف متهم مرتبط باشد و از مواردی که صرفاً نتیجه محتمل است، متمایز شود.^۴

۱۰-۲- بی‌مبالاتی (Recklessness)

بی‌مبالاتی، یکی از انواع عنصر روانی جرم در حقوق جزای انگلستان، به حالتی اشاره دارد که در آن متهم در رعایت استانداردهای رفتاری مورد انتظار یک شخص معقول کوتاهی می‌کند. این عنصر روانی بیشتر در جرایم غیرعمدی نظیر قتل غیرعمد و جرایم ناشی از عدم رعایت ایمنی عمومی مطرح می‌شود. تعریف و کاربرد این مفهوم به مرور زمان در پرونده‌های قضایی تکامل یافته است. بی‌مبالاتی به معنای عدم توجه متهم به خطراتی است که یک شخص معقول در همان شرایط پیش‌بینی می‌کرد. در پرونده کلاسیک R v. Bateman (۱۹۲۵)، دادگاه تأکید

^۱. Smith, J.C., Hogan, B., & Ormerod, D., *Criminal Law*, ۱۰th Edition, ۲۰۱۸, pp. ۱۰۵-۱۰۶

^۲. Rogers, Jonathan, "Intention in Criminal Law: Reassessing Woollin," *Cambridge Law Journal*, ۲۰۰۱, pp. ۸۸-۹۱

^۳. Hart, H.L.A., *Punishment and Responsibility*, ۲nd Edition, ۲۰۰۸, Oxford University Press, pp. ۱۱۶-۱۱۸

^۴. Allen, Michael, *Textbook on Criminal Law*, ۱۴th Edition, ۲۰۲۱, Oxford University Press, pp. ۷۸-۷۹



کرد که بی‌مبالاتی زمانی جرم است که سطح آن "چنان شدید باشد که شایسته مسئولیت کیفری باشد". این پرونده استانداری را معرفی کرد که بر شدت بی‌مبالاتی تمرکز داشت.^۱ یکی از برجسته‌ترین کاربردهای بی‌مبالاتی در حقوق انگلستان در جرایم قتل غیر عمد با بی‌مبالاتی آشکار (gross negligence manslaughter) است. پرونده R v. Adomako (۱۹۹۴) معیارهای این جرم را به وضوح تعریف کرد. دادگاه بیان کرد که بی‌مبالاتی زمانی آشکار است که متهم در وظایف حرفه‌ای یا قراردادی خود چنان کوتاهی کند که این رفتار جنایی باشد.^۲ منتقدان استدلال می‌کنند که تعریف بی‌مبالاتی در جرایم کیفری باید بیشتر به عنصر ذهنی رفتار متهم توجه کند. برای مثال استفاده از معیار عینی می‌تواند به مسئولیت‌پذیری ناعادلانه افرادی منجر شود که از خطرات واقعی آگاه نبوده‌اند.^۳

۱۱- بار اثبات عنصر روانی در حقوق کیفری انگلستان

در حقوق کیفری انگلستان، بار اثبات عنصر روانی (mens rea) نقشی محوری در فرایند دادرسی کیفری دارد و بر اساس اصول اساسی عدالت کیفری، بار اثبات جرم به عهده‌ی دادستانی است. این اصل در پرونده‌های متعدد از جمله Woolmington v. DPP (۱۹۳۵) به وضوح بیان شده است. در این پرونده، قاضی ویسکونت سانکی اظهار داشت که در تمام نظام حقوق کیفری انگلستان، یک اصل طلایی وجود دارد: اثبات جرم فراتر از شک معقول بر عهده‌ی دادستان است، مگر در مواردی که قانون استثنائاتی مقرر کرده باشد، مانند دفاع از مجنون.

۱۱-۱ اصل برائت

بار اثبات جرم به ویژه عنصر روانی، به عنوان بخشی از اصل برائت عمل می‌کند. در صورتی که دادستان نتواند اثبات کند که متهم با قصد مجرمانه عمل کرده است، او باید تبرئه شود. این امر از حقوق فردی متهم حمایت می‌کند و تضمین می‌کند که افراد بی‌گناه مجازات نشوند.

۱۱-۲ سطح اثبات

دادستان باید نشان دهد که عنصر روانی متهم فراتر از شک معقول وجود داشته است. این امر نه تنها نیازمند شواهد مستقیم بلکه شواهد قوی و غیرقابل انکار است، چرا که شک منطقی

^۱. Smith, J.C., Hogan, B., & Ormerod, D., *Criminal Law*, ۱۵th Edition, ۲۰۱۸, Oxford University Press, pp. ۱۷۵-۱۷۶

^۲. Ormerod, David, *Smith and Hogan's Criminal Law*, ۱۵th Edition, ۲۰۱۸, Oxford University Press, pp. ۲۷۱-۲۷۵.

^۳. Ashworth, Andrew, "Criminal Negligence," *Cambridge Law Journal*, ۲۰۰۱, pp. ۳۵-۳۷



می‌تواند منجر به براءت متهم شود. به عنوان مثال، در پرونده‌های قتل، اثبات عنصر نیت یا سوءنیت ضروری است.^۱

۱۱-۳- چالش‌ها برای دادستان

یکی از چالش‌های اساسی در اثبات عنصر روانی، نیاز به تحلیل دقیق شواهد است. شواهد ممکن است غیرمستقیم یا مبتنی بر شهادت‌های شهود باشند که خود می‌تواند به تفسیرهای مختلفی منجر شود. به همین دلیل، دادستان باید شواهد را به گونه‌ای ارائه دهد که تردیدی در ذهن قاضی یا هیئت منصفه باقی نگذارد.

۱۱-۴- بار اثبات در دفاع‌ها

در برخی دفاع‌ها، مانند دفاع از جنون، بار اثبات به طور استثنائی به متهم منتقل می‌شود. در این موارد، متهم باید اثبات کند که به دلیل جنون قادر به درک ماهیت عمل خود نبوده است. این استثنائات اما نادر بوده و اغلب توسط قانون یا رویه قضایی مشخص می‌شوند. بار اثبات عنصر روانی در حقوق انگلستان یک سازوکار کلیدی برای اطمینان از اجرای عدالت و جلوگیری از محکومیت‌های ناعادلانه است. این اصل نه تنها تضمینی برای حقوق متهم، بلکه ابزاری برای ایجاد توازن میان قدرت‌های دولت و شهروندان است.^۲

۱۲- رویکرد قانون‌گذار به جرایم مطلق در انگلستان

در حقوق کیفری انگلستان، جرایم مطلق (strict liability crimes) به آن دسته از جرایمی اشاره دارند که برای تحقق آنها نیازی به اثبات عنصر روانی (mens rea) نیست. این مفهوم عمدتاً به دلایل عملی و سیاست‌های عمومی مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است، با این هدف که اجرای قانون ساده‌تر شود و حمایت از منافع عمومی تضمین گردد. رویکرد قانونگذار انگلستان نسبت به جرایم مطلق، بر اهمیت عنصر «رفتار مجرمانه» (actus reus) متمرکز است و عنصر روانی معمولاً کنار گذاشته می‌شود. این رویکرد، برای جرایمی که ممکن است خطر فوری برای جامعه ایجاد کنند، مانند تخلفات زیست‌محیطی یا بهداشت عمومی، اهمیت ویژه‌ای دارد. در چنین مواردی، قانونگذار تشخیص می‌دهد که اثبات عنصر روانی می‌تواند اجرای عدالت

^۱. Fletcher, George P., "The Metamorphosis of Mens Rea: Legal History and Philosophy," *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. ۲۹, No. ۴, ۲۰۱۴, pp. ۱۰۱-۱۰۵.

^۲. Ashworth, Andrew, Burden of Proof in Criminal Law: A Critical Analysis" Criminal Practice Law, ۲۰۲۳, p ۱۱۷- ۲۱۱



را کند کرده و هزینه‌های قضایی را افزایش دهد، لذا صرف اثبات عمل غیرقانونی کافی است. با این حال، این رویه با انتقاداتی نیز مواجه است که معتقدند جرایم مطلق، اصول بنیادین مسئولیت کیفری و عدالت را زیر سوال می‌برند، زیرا ممکن است افراد بی‌گناه صرفاً به دلیل خطا یا اشتباه، مجازات شوند^۱.

یکی از نمونه‌های قابل ذکر در این زمینه، پرونده Pharmaceutical Society v. Storkwain Ltd (۱۹۸۶) است، جایی که دادگاه تأکید کرد نیازی به اثبات آگاهی یا قصد مجرم در فروش داروهای غیرمجاز وجود ندارد. قانونگذار در این مورد، حمایت از سلامت عمومی را بر منافع فردی متهم اولویت داده است. با این حال، قضاوت‌های مشابهی نیز وجود دارند که نشان می‌دهند دادگاه‌ها گاهی اوقات تلاش می‌کنند میان عدالت و سیاست‌های عمومی تعادل برقرار کنند^۲.

به طور کلی، قانون‌گذار انگلستان در تدوین و پذیرش جرایم مطلق به هدف خاصی تکیه می‌کند، از جمله جلوگیری از مخاطرات جدی و حمایت از منافع جامعه. اما این رویکرد همچنان موضوع بحث‌های گسترده در ادبیات حقوقی است، به ویژه در زمینه هماهنگی میان عدالت کیفری و تضمین کارآمدی سیستم قضایی^۳.

عنصر روانی در نظام حقوقی انگلستان همچنان با چالش‌هایی مواجه است، از جمله تداخل میان مفاهیم ذهنی و عینی در پرونده‌های پیچیده. همچنین، ترکیب رویکردهای مختلف در پرونده‌های متنوع نشان‌دهنده پویایی حقوق جزا در این حوزه است، به ویژه زمانی که دادگاه‌ها سعی دارند میان عدالت و سیاست عمومی تعادل برقرار کنند.

۱۳- تفکیک بین جرایم عمدی و غیرعمدی در حقوق کیفری فرانسه و انگلستان

در حقوق کیفری فرانسه، تفکیک میان جرائم عمد و غیرعمد به عنوان بخشی از عنصر روانی (élément moral) اهمیت زیادی دارد. طبق ماده ۱۲۱-۳ قانون جزای فرانسه، ارتکاب جرم بدون نیت مجرمانه (عمد) در اکثر موارد پذیرفته نمی‌شود، مگر اینکه قانون به‌طور خاص

^۱. Ashworth, Andrew, *Principles of Criminal Law*, ۷th ed., Oxford University Press, ۲۰۱۳, pp. ۱۴۲-۱۴۷.

^۲. Simester, A. P., & Sullivan, G. R., *Criminal Law: Theory and Doctrine*, ۵th ed., Hart Publishing, ۲۰۱۰, pp. ۱۳۰-۱۳۶.

^۳. Horder, Jeremy, *Strict Liability, Justice, and Proportionality*, Oxford Journal of Legal Studies, Vol. ۳۲, No. ۱, ۲۰۱۳, pp. ۵۵-۵۸.



استثنائاتی را تعیین کرده باشد. این تمایز اساسی تضمین می‌کند که مسئولیت کیفری فقط به افرادی تحمیل شود که با نیت یا آگاهی از پیامدهای احتمالی رفتار خود مرتکب جرم شده‌اند. بنابراین، اثبات عنصر روانی جرم یکی از ارکان اساسی تعیین مسئولیت کیفری در فرانسه است. عنصر روانی در حقوق کیفری فرانسه نقش دوگانه‌ای دارد: از یک سو، نشان می‌دهد که مرتکب با قصد (intention) یا با بی‌احتیاطی (négligence) اقدام به جرم کرده است، و از سوی دیگر، در راستای تضمین عدالت کیفری از محکومیت بی‌دلیل افراد بی‌گناه جلوگیری می‌کند. این موضوع به ویژه در جرائم غیرعمدی (مانند قتل غیرعمد) که ناشی از بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد. در چنین مواردی، سیستم حقوقی فرانسه به دنبال تعیین سطح مسئولیت مرتکب و میزان تقصیر وی است.^۱ یکی از جنبه‌های کلیدی این تمایز، شفاف‌سازی عدالت کیفری و ایجاد انصاف در اجرای قانون است. دادگاه‌ها برای اثبات عنصر روانی جرم، نیازمند شواهدی قوی هستند که ذهنیت و نیت مرتکب در زمان ارتکاب جرم را نشان دهد. این رویکرد، اعتماد عمومی به نظام قضایی را تقویت می‌کند و مانع از اعمال خودسرانه قانون می‌شود. به همین دلیل، تفکیک میان جرائم عمد و غیرعمد ابزاری موثر برای تنظیم میزان مسئولیت و تعیین مجازات مناسب است. با این حال، اعمال این اصل چالش‌هایی نیز به همراه دارد. اثبات قصد یا سهل‌انگاری اغلب به شواهد غیرمستقیم و تفسیر دادگاه وابسته است که می‌تواند به سوگیری منجر شود. از این رو، نظام حقوقی فرانسه با دقت تلاش می‌کند بین نیاز به شفافیت قانونی و تأمین عدالت فردی تعادل برقرار کند.^۲

در حقوق کیفری انگلستان نیز تفکیک جرایم عمد و غیر عمد از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا عنصر روانی (mens rea) یکی از ارکان اصلی مسئولیت کیفری در نظام حقوقی این کشور محسوب می‌شود. تمایز بین جرایم عمد و غیر عمد به نظام عدالت کیفری کمک می‌کند تا نیت واقعی مجرم را درک کرده و مجازاتی متناسب با آن تعیین کند.^۳ اولین دلیل اهمیت این تفکیک، ارتباط آن با اصل عدالت است. جرایم عمد معمولاً با نیتی آگاهانه و با قصد دستیابی به نتیجه‌ای خاص انجام می‌شوند. برای مثال، در جرایم قتل عمد، متهم باید اثبات کند که قصد

^۱. Md. Imran Wahab, Legal Service India, Mens Rea: Importance in Criminal Law, ۲۰۲۴, p. ۲۰-۲۸

^۲. Simester, A. P., & Sullivan, G. R. (۲۰۲۱), Criminal Law: Theory and Doctrine, Oxford University Press, p ۱۱۰-۱۵

^۳. Rogers, Jonathan, "Intention in Criminal Law: Reassessing Woollin," *Cambridge Law Journal*, ۲۰۰۱, pp. ۷۰



داشته یا دست کم نتیجه مرگ را به طور قطعی پیش بینی می کرده است. در مقابل، جرایم غیر عمد (مانند قتل بر اثر بی احتیاطی) مستلزم اثبات رفتار غفلت آمیز یا بی مبالاتی هستند. این تمایز اجازه می دهد که مجازات ها به گونه ای متناسب با سطح آگاهی و نیت متهم اعمال شوند، که هم برای متهم و هم برای قربانی عادلانه تر است. دومین دلیل، نقش این تمایز در تعیین نوع مسئولیت کیفری است. برخی جرایم مانند سرقت یا قتل نیازمند اثبات قصد خاص (specific intent) هستند، در حالی که در جرایمی با قصد عام (basic intent) نظیر برخی حملات بدنی، اثبات بی احتیاطی یا بی مبالاتی کفایت می کند. این تمایز نه تنها معیار مشخصی برای تصمیم گیری دادگاه فراهم می کند، بلکه درک متهم از قوانین و پیامدهای اعمال خود را نیز برجسته می سازد. سوم، درک عنصر روانی تأثیر مستقیم بر دفاعیات متهم دارد. به عنوان مثال، ادعای بی اختیاری یا اشتباه در واقعیت (mistake of fact) می تواند در جرایم عمد به کاهش مسئولیت کیفری کمک کند، اما در جرایم غیر عمد چنین نیست. تفکیک بین عمد و غیر عمد دادگاه ها را قادر می سازد تا میان عوامل ذهنی و شرایط عینی تمایز قائل شوند و برای هر پرونده تصمیم منصفانه تری اتخاذ کنند. در نهایت، این تفکیک برای پیشگیری از جرایم نیز مهم است. قوانین کیفری انگلستان بر اساس این اصل طراحی شده اند که تعیین دقیق نیت (mens rea) می تواند در اصلاح رفتارهای مجرمانه نقش داشته باشد. برای نمونه، در جرایم ناشی از بی احتیاطی (مانند رانندگی خطرناک)، آگاهی بخشی به عموم مردم در مورد خطرات این اعمال و پیامدهای قانونی آن ها می تواند موجب کاهش ارتکاب این جرایم شود.^۱

^۱. Ibid, p. ۷۰-۷۵



نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت این نتیجه حاصل می شود که پدیده مجرمانه به لحاظ ساختار حقوقی واجد سه عنصر قانونی، مادی و معنوی است که از این سه عنصر، عنصر معنوی یا روانی از اهمیت بسیاری برخوردار است و منجر به تشخیص ماهیت جرایم می شود. عنصر روانی شامل اجزای مختلفی است که از آن ها می توان به اراده، علم، عمد و انگیزه اشاره کرد. فقه اسلامی به عنصر روانی جرم تحت عناوین مشابه دیگر مانند عمد و ظلم توجه نموده است. اراده مجرمانه اساس عنصر روانی است و اگرچه امری درونی است، اما نیاز به تفسیر قانون دارد و هر اراده ای نمی تواند عنصر روانی جرم قرار گیرد. در حقوق کیفری نوین، اشخاص بر اساس آنچه می اندیشند، مستحق مجازات می گردند، نه بر اساس آنچه انجام می دهند. لذا عنصر روانی جرایم عمد، قصد مجرمانه یا سوءنیت می باشد، در حالی که عنصر روانی جرایم غیرعمد را تقصیر یا خطای جزایی که شامل بی احتیاطی و بی مبالاتی است، تشکیل می دهد. با توجه به مطالب فوق الذکر به نظر می رسد کیفیت و حدود اعمال عنصر روانی باید منضبط و محدود شود و شیوه آن در اجزای مختلف عنصر روانی باید روشن و معین باشد. همچنین در سوء نیت عام، تمسک به عنصر روانی خواه در مورد قصد و خواه در مورد علم برای عمدی تلقی کردن رفتار به دشواری قابل توجهی است و کسی که واقعاً قصد ارتکاب رفتاری را ندارد یا بی آنکه متوجه باشد مرتکب اشتباهی در فهم شرایط و اوضاع و احوال جرم شده است را نمی توان مسئول رفتاری دانست که مرتکب می شود.

در حقوق فرانسه، عنصر روانی جرم بر قصد مجرمانه و آگاهی متهم نسبت به ماهیت عمل و نتایج آن تاکید دارد. قانون گذار فرانسوی با تمایز میان جرایم عمدی و غیرعمدی، شرایط عنصر روانی را برای هر دسته به طور دقیق مشخص کرده است. در جرایم عمدی، وجود سوءنیت یا قصد مجرمانه شرط اصلی است، در حالی که در جرایم غیرعمدی، بی احتیاطی یا بی مبالاتی کفایت می کند. این تعریف ها به قاضی اجازه می دهد تا با رجوع به قوانین مدون، عنصر روانی را بررسی و تطبیق دهد.

حقوق انگلستان نیز عنصر روانی را به عنوان یکی از عناصر ضروری جرم در نظر می گیرد و مفهوم mens rea (سوءنیت) را به عنوان مبنای آن مطرح می کند. در این نظام حقوقی، قصد مجرمانه به صورت مستقیم و غیرمستقیم تعریف می شود. قصد مستقیم به انجام آگاهانه و هدفمند یک عمل اشاره دارد، در حالی که قصد غیرمستقیم، متهم ممکن است نتیجه عمل



خود را پیش‌بینی کند اما آن را هدف نهایی خود قرار نداده باشد. پرونده‌هایی مانند "R v Woollin" معیارهای تشخیص قصد غیرمستقیم را مشخص کرده‌اند و توسعه مفهوم قصد بیشتر بر عهده دادگاه‌ها و رویه‌های قضایی بوده است.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم عنصر روانی، بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی است که در هر دو نظام حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. در حقوق فرانسه، بی‌احتیاطی بیشتر در جرایم غیرعمدی یا تخلفات ناشی از نقض مقررات مطرح می‌شود، اما حقوق انگلستان با تقسیم بی‌احتیاطی به ذهنی و عینی، جزئیات بیشتری برای این مفهوم ارائه کرده است. به طور خاص، بی‌احتیاطی ذهنی بر آگاهی متهم نسبت به خطر و ادامه عمل تأکید دارد، در حالی که بی‌احتیاطی عینی بر اساس رفتار یک فرد معقول در شرایط مشابه سنجیده می‌شود.

حقوق فرانسه و انگلستان در برخی موارد استثنایی، از تفسیر موسع یا محدود عنصر روانی استفاده می‌کنند. در حقوق فرانسه، به ویژه در جرایم اقتصادی یا جرایم علیه امنیت عمومی، رویکردهای حمایتی برای حفظ نظم اجتماعی دیده می‌شود. در مقابل، حقوق انگلستان در موارد خاصی مانند جرایم مطلق (strict liability offenses) که نیازی به اثبات عنصر روانی ندارند، از این مفهوم فاصله می‌گیرد، هرچند این موارد محدود و استثنایی باقی مانده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- ۱- احدی، فاطمه (۱۳۸۹) مفهوم و مبانی و قلمرو جرایم با مسئولیت مطلق، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۵.
- ۲- آقایانی، حسین (۱۴۰۱) حقوق کیفری اختصاصی (۳)، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ج ۱۹، تهران: انتشارات میزان.
- ۳- امین کلیبر، نصرالله (۱۳۹۴) بررسی رکن روانی جرم از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره ۱، شماره ۶.
- ۴- خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۲۲ق). مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، چ ۱، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
- ۵- زراعت، عباس (۱۳۹۶) حقوق جزای عمومی ۱ و ۲، ج ۱، چ ۶، تهران: انتشارات جنگل.
- ۶- سعدی، حسین علی. مرتضوی، سیدسلیمان. (۱۳۹۳). تأثیر انگیزه در تحقق عنوان جرم در فقه امامیه، دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه فقهی، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۵).
- ۷- سکندری بنجار، محمد (۱۳۹۹) بررسی فقهی و حقوقی عنصر روانی جرم با نگاهی به حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۸- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، چ ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۹- صادقی، محمد هادی (۱۴۰۱) جرایم علیه اشخاص، ج ۱، چ ۲۳، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۰- طباطبایی، سید علی بن محمد. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالادلة، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع).



- ۱۱- عوده، عبدالقادر (۱۳۷۳) حقوق جزای اسلامی، ج ۲، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۲- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۱ق). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله: القصاص، چ ۳، قم: مرکز فقه الاثمه، الاطهار علیهم السلام.
- ۱۳- فیض، علیرضا (۱۳۹۰) مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چ ۸، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۴- قیاسی، جلال الدین و همکاران (۱۴۰۰) حقوق جزای عمومی ارکان جرم، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۵- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۶) مقالات حقوقی، ج ۱، چ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱) بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چ ۲۲، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۷- محسنی، مرتضی (۱۳۹۶) دوره حقوق جزای عمومی: پدیده جنایی، ج ۲، چ ۴، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۱۸- محمدخانی، عباس (۱۳۹۵) عنصر روانی جرم، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۹- مصباح زاده، نجیبه (۱۳۹۸) تحلیل عنصر روانی جرم در حقوق کیفری ایران و افغانستان و فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه خراسان.
- ۲۰- منصورآبادی، عباس (۱۳۹۵) حقوق کیفری عمومی ۱، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- ۲۱- میرسعیدی، سیدمنصور (۱۳۹۰) مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات میزان.



۲۲- میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۱) حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اشخاص، ج ۱، چ ۲۳، تهران: انتشارات میزان.

۲۳- میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۳) حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال و مالکیت، چ ۶۴، تهران: انتشارات میزان.

۲۴- نجیب حسنی، محمود (۱۳۹۵) نظریه عمومی قصد جنایی، ترجمه سید علی عباس‌نای زارع، چ ۲، تهران: انتشارات میزان.

۲۵- ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۸) مختصر النافع حقوق جزای عمومی، چ ۱، تهران: انتشارات خط سوم.

۲۶- ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۱)، حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اشخاص، ج ۲، چ ۱۰، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۷- Allen, Michael, *Textbook on Criminal Law*, ۱۴th Edition, Oxford University Press, ۲۰۲۱.

۲۸- Allix, Albert *The Role of Mens Rea in French Criminal Jurisprudence*, French Law Review, ۲۰۰۴.

۲۹- Arnoux, L'élément moral et la preuve judiciaire, Revue générale de droit, ۲۰۱۹.

۳۰- Ashworth, *Principles of Criminal Law*, ۷th ed., Oxford University Press, ۲۰۱۳.

۳۱- Ashworth, A., *Principles of French Criminal Law*, Oxford University Press, ۲۰۱۳.

۳۲- Ashworth, Andrew, "Criminal Negligence," *Cambridge Law Journal*, ۲۰۰۱.



-۳۳ Ashworth, Andrew, *Principles of Criminal Law*, ۷th ed., Oxford University Press, ۲۰۱۳.

-۳۴ Ashworth, Andrew, Burden of Proof in Criminal Law: A Critical Analysis" Criminal Practice Law, ۲۰۲۳.

-۳۵ Bousquet, Pascal, *Droit pénal spécial*, ۱۱th Edition, Dalloz, ۲۰۱۹.

-۳۶ Cau, Thierry, *Introduction au droit pénal français*, ۱۲th Edition, Editions LGDJ, ۲۰۲۱.

-۳۷ Deschamps, Jean, *Droit pénal spécial*, ۸th edition, Dalloz, ۲۰۱۵.
Dupont, Allen, "Mens Rea in French Criminal Law," *Revue de Droit Pénal*, ۲۰۰۲.

-۳۸ Duvivier, David, "La notion de l'intention criminelle dans le droit pénal français," *Revue de Droit Pénal et de Criminologie*, ۲۰۱۸.

-۳۹ Fauvarque-Cosson, B.*, "The Principle of Legality in French Criminal Law," *Journal of Comparative Law*, Vol. ۱۱, ۲۰۲۱.

-۴۰ Fletcher, George P., "The Metamorphosis of Mens Rea: Legal History and Philosophy," *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. ۲۹, No. ۴, ۲۰۱۴.

-۴۱ Hart, H.L.A., *Punishment and Responsibility*, ۲nd Edition, Oxford University Press, ۲۰۰۸.

-۴۲ Herring, Jeam, *Criminal Law*, ۹th ed., Palgrave Macmillan, ۲۰۲۱.

-۴۳ Horder, Jeremy, *Strict Liability, Justice, and Proportionality*, Oxford Journal of Legal Studies, Vol. ۳۳, No. ۱, ۲۰۱۳.

-۴۴ Katty Crosby, Recklessness: The Continuing Search for a Definition, Journal of Criminal Law, ۲۰۰۸.

-۴۵ Lemoine, Pierre, "La négligence en droit pénal français," *Revue de Droit Pénal et de Criminologie*, ۲۰۱۷.

-۴۶ Levasseur, G.*, "The Role of Mens Rea in French Criminal Law," *Revue pénale*, ۲۰۱۹.



- ۴۷ Maistre, Marc, *Droit pénal général*, ۵th Edition, LexisNexis, ۲۰۱۸.
- ۴۸ Md. Imran Wahab, Legal Service India, Mens Rea: Importance in Criminal Law, ۲۰۲۴.
- ۴۹ Nobles, R., and Schiff, D.*, "Criminal Evidence in Comparative Perspective," *International Journal of Law*, ۲۰۲۰.
- ۵۰ Ormerod, David, *Smith and Hogan's Criminal Law*, ۱۵th Edition, Oxford University Press, ۲۰۱۸.
- ۵۱ Pau, Jean, *Droit pénal général*, ۱۰th Edition, Presses Universitaires de France, ۲۰۲۰.
- ۵۲ Pirelli, Thomas, "La négligence et la responsabilité pénale," *Revue de Droit Pénal*, ۲۰۱۶, Vol. ۱.
- ۵۳ Pradel, J., *Droit pénal général*, ۲۲nd ed., Cujas, ۲۰۲۳.
- ۵۴ Rogers, Jonathan, "Intention in Criminal Law: Reassessing Woollin," *Cambridge Law Journal*, ۲۰۰۱.
- ۵۵ Schneider, Pierre, "La responsabilité pénale en droit français: entre intention et négligence," *Revue de Droit Pénal*, ۲۰۱۷, Vol. ۴.
- ۵۶ Simester & Sullivan, *Criminal Law: Theory and Doctrine*, Hart Publishing, ۲۰۱۰.
- ۵۷ Simester, A. P., & Sullivan, G. R., *Criminal Law: Comparative Analysis*, Hart Publishing, ۲۰۱۰.
- ۵۸ Simester, A. P., & Sullivan, G. R., Criminal Law: Theory and Doctrine, Oxford University Press, ۲۰۲۱.
- ۵۹ Simester, A. P., & Sullivan, G. R., *Criminal Law: Theory and Doctrine*, ۵th ed., Hart Publishing, ۲۰۱۰.
- ۶۰ Smith, J.C., Hogan, B., & Ormerod, D., *Criminal Law*, ۱۵th Edition, ۲۰۱۸, Oxford University Press



Analysis of the psychological element of crime in Iranian, French and English criminal law

Vahid Kioumars^۱

Article Number: JHVMN-۲۴۱۲-۱۲۵۴

Abstract

Today, one of the important issues in criminal law to explain the mental state of the offender is the term mental element, which is composed of will, malice, and knowledge, and the perpetrator in the real world commits a crime by committing behavior that stems from mental interactions. Basically, in the handling of criminal cases to determine punishment, the mental element of the crime must be established, otherwise it may have irreparable consequences, such as the innocence being retaliated against or even the guilt escaping the punishment it deserves. The Islamic Penal Code of ۱۳۹۲ considers the mental criterion in the commission of a crime and seeks to realize the mental element (intent). Also, the mental element shapes the relationship between the offender and the crime, and consequently, the criminal response to the crime is affected by this relationship, and one of the aspects of distinguishing civil and criminal liability is the existence of the mental element in proving criminal titles, which is important as the main element of the realization of any crime, which explains the moral justification of the criminal liability of the perpetrator, in such a way that with its absence, the grounds for holding the perpetrator accountable are eliminated. In addition, the mental element of the crime is one of the main pillars of criminal liability in French and English criminal law, which examines the intention, intent, and consciousness of the accused at the time of committing the crime. In both legal systems, this element, along with the material element of the crime, determines the occurrence of the crime, but the approaches and interpretations related to it in these two legal systems are different, so that French law, as a written legal system, defines the mental element based on codified laws and determines a specific framework.

Keyword: Psychological element, spiritual element, mental criterion, general malice, criminal intent.

^۱. PhD researcher in criminal law and criminology, university lecturer. (Corresponding Author) vahidkioumars@yahoo.com

